

تفسیر سورہ

فاتحہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿ ۱ ﴾ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿ ۲ ﴾ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿ ۳ ﴾ وَمِنْ شَرِّ
 غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿ ۴ ﴾ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ﴿ ۵ ﴾ وَمِنْ شَرِّ
 حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ

بگو: پناه می‌برم به پروردگار سپیده‌دم. از شرّ آفریده‌هایش. و از شرّ
 تاریکی شب، آنگاه که همه جا را فراگیرد. و از شرّ افسون‌گرانی که در
 گره‌ها می‌دمند. و از شرّ هر حسود آنگاه که حسد ورزد.

نکته‌ها:

- کلمه «فلق» مثل «فجر» به معنای شکافتن است، شکافتن سیاهی شب یا سپیده صبح:
 ﴿فالق الاصبح﴾^(۱)؛ شکافتن دانه درون خاک. ﴿فالق الحبّ و التّوی﴾^(۲)
- مراد از «غاسق» آغاز شب است که تاریکی را به همراه می‌آورد. چنانکه در آیه‌ای دیگر
 می‌فرماید: ﴿اقم الصلوة لدلوك الشمس الى غسق الليل﴾^(۳)
- شاید مراد از «غاسق» هر موجود ظلمت آور باشد که تاریکی‌های معنوی را به همراه خود
 می‌آورد و گسترش می‌دهد.
- از آنجا که افراد شرور، برای حمله و هجوم و یا توطئه چینی از تاریکی شب استفاده
 می‌کنند، لذا به خدا پناه می‌بریم از شروری که در شب واقع می‌شود.

۱. انعام، ۹۶.

۲. انعام، ۹۵.

۳. اسراء، ۷۸.

- «نَقَات» از «نَفَث» به معنای دمیدن و «عَقْد» جمع «عَقْد» به معنای گره است.
- در هر چیزی احتمال بروز شرّ وجود دارد، حتی کمالاتی مثل علم و احسان، شجاعت و عبادت نیز آفاتی دارند. آفت علم، غرور؛ آفت احسان، مَتّ گذاردن؛ آفت عبادت، عَجَب و آفت شجاعت، ظلم و تهوّر است.
- در آسیب پذیری سه اصل وجود دارد آمادگی هجوم از سوی دشمن فرصت‌های مناسب برای هجوم نظیر تاریکی‌ها و وجود حفره‌ها و نقطه ضعف‌ها آری دشمن به دنبال تاریکی‌ها و حفره‌ها و نقاط ضعف است.
- تبلیغات سوء، جوسازی‌ها، سخن چینی‌ها، جاسوسی‌ها و شایعه‌پراکنی‌ها، نمونه‌هایی از «نَقَاتَاتِ فِي الْعَقْدِ» است، یعنی می‌دمند تا محکومات را سست کنند. چنانکه کسانی با وسوسه و شک میان همسران فتنه‌گری می‌کنند «مَا يَفْرَقُونَ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ»^(۱)
- با اینکه هرچه خدا آفریده، خیر است: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ»^(۲) لکن هر چیزی اگر در مسیر صحیح خود قرار نگیرد، شرّ می‌شود. چنانکه آهن خیر است ولی اگر چاقو شد، امکان سوء استفاده از آن وجود دارد. «مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ»
- «شَرِّ مَا خَلَقَ» یعنی شرّ از سوی مخلوقات است، نه از سوی خالق و نه ناشی از خلقت.
- پناه بردن به خدا از خطرات، تنها با گفتن «أَعُوذُ» حاصل نمی‌شود، بلکه علاوه بر گفتن، عمل نیز لازم است. چنانکه اهل بیت پیامبر ﷺ وقتی مسکین و یتیم و اسیر، اطعام را کردند، گفتند: «أَنَا نُخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَطْرِيرًا»^(۳) ما از روز قیامت می‌ترسیم که اطعام کردیم. قرآن می‌فرماید: «فَوْقَاهُمْ اللَّهُ شَرًّا ذَلِكَ الْيَوْمِ»^(۴) خداوند نیز آنان را از شرّ آن روز نجات داد. پس گفتن «أَنَا نُخَافُ» به تنهایی کارساز نیست، بلکه باید همراه با عمل باشد.
- زشت‌صورتی نزد رسول خدا از زشتی چهره خود شکایت کرد که جبرئیل نازل شد و سلام خداوند را به آن مرد زشت رساند و گفت که خدا می‌فرماید: «أَمَا تَرْضَىٰ أَنْ أَحْشُرَ عَلَىٰ جَمَالِ

۱. بقره، ۱۰۲.

۲. سجده، ۷.

۳. انسان، ۱۰.

۴. انسان، ۱۱.

جبرئیل ﴿ آیا دوست داری که در قیامت تو به زیبایی جبرئیل باشی؟

مرد شادمان شد و تصمیم گرفت تمام عبادات و مستحبات را انجام دهد.^(۱)

□ شرّ مطلق وجود ندارد و خداوند نیافریده است، بلکه چه بسیار اموری که از یک زاویه، شرّ دیده می‌شوند و زاویه‌ای دیگر خیر. چنانکه مولوی می‌گوید:

زهر مار، آن مار را باشد حیات لیک آن، آدمی را شد ممات

پس بد مطلق نباشد در جهان بد به نسبت باشد، این را هم بدان

□ بعضی از سختی‌ها و فشارها، شرّ نیست، بلکه رمز تکامل است. مولوی می‌گوید:

گندمی را زیر خاک انداختند پس ز خاکش خوشه‌ها بر ساختند

بار دیگر کوفتندش ز آسیا قیمتش افزون و نان شد جان فزا

باز نان را زیر دندان کوفتند گشت عقل و جان و فهم سودمند

باز آن جان، چون که محو عشق

گشت یُعجب الزّراع آمد بعد کشت

□ قرآن سفارش می‌کند که با همسرانتان خوب رفتار کنید و اگر نسبت به آنان کراهت دارید،

چه بسا در کنار آن الطافی نهفته باشد. ﴿و عاشروهنّ بالمعروف فان کرهتموهنّ فعیسی ان

تکرهوا شیئاً و یجعل الله فیہ خیراً کثیراً﴾^(۲) چنانکه گاهی زن زیبا نیست، ولی مادر

فرزندانی بزرگ و برجسته می‌شود.

□ بسیار از تلخی‌ها، استعدادهای ما را شکوفا می‌کند، حالت صبر و مقاومت را در ما رشد

می‌دهد و دل انسان را خاضع و خاشع می‌سازد. ﴿لعلّهم یتضرّعون﴾^(۳)

□ شب برای مردان خدا، زمان بندگی و عبادت است: ﴿یتلون آیات الله آناء اللیل﴾^(۴) ولی

برای نامردمان، زمان توطئه و تهدید و هجوم است. ﴿من شرّ غاسق﴾

□ سخن و یا حرکتی که روابط و دوستی‌های محکم را متزلزل کند، نقّات است و باید از آن

به خدا پناه برد.

۲. نساء، ۱۹.

۱. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۴۰.

۳. اعراف، ۹۴. ۴. آل عمران، ۱۱۳.

- پناه بردن انسان به خدا، مستلزم پناه دادن خداوند است وگرنه فرمان پناه بردن لغو بود.
- در میان تمام شرور نام سه شرّ در این سوره آمده است:
- شرور پنهان و در تاریکی‌ها. «من شرّ غاسق اذا وقب»
- شرور زبان‌های ناپاک. «من شرّ النّفّاثات فی العقد»
- شرور حسادت‌ها و رقابت‌های منفی. «و من شرّ حاسد اذا حسد»
- برخی زنان به خاطر زیبایی و لطافت در گفتار، می‌توانند مردان را در تصمیمات خود سست کنند و مصداق نّفّاثات باشند.
- یکی از مصداق نّفّاثات، سحر و جادو است و لذا آموزش و عمل آن حرام است.
- با اینکه «شر ما خلق» شامل تمام شرور می‌شود، ولی نام سه شرّ را به خاطر اهمیتی که دارد، جداگانه آورده است. «غاسق اذا وقب - النّفّاثات فی العقد - حاسد اذا حسد»
- پناه بردن در هر حال لازم است، خواه آنجا که خطر باشد: «شرّ ما خلق» خواه دریافت کمال باشد: «فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم»^(۱) هرگاه قرآن تلاوت می‌کنی از شرّ شیطان به خداوند پناه ببر.
- در سوره فلق، در برابر سه شرّ بیرونی، به یک صفت الهی پناه می‌بریم. (از شرّ غاسق و نّفّاثات و حاسد، به صفت «ربّ الفلق» پناه بردیم.) اما در سوره ناس به عکس است. در برابر یک خطر درونی، به سه صفت الهی پناهنده می‌شویم. (از شرّ وسوسه قلب، به صفات «ربّ النّاس»، «ملک النّاس» و «اله النّاس» پناه می‌بریم.)

بحثی درباره حسادت

تلاش برای بدست آوردن کمالات غبطه و ارزش است، ولی تلاش برای نابود کردن کمالات دیگران حسادت است. حسادت نشانه کم ظرفیتی و تنگ نظری است. اولین قتلی که در زمین واقع شد به خاطر حسادت میان فرزندان آدم بود و اولین گناهی که در آسمان واقع شد، حسادت ابلیس به آدم بود. در حدیث می‌خوانیم: حسادت ایمان را می‌خورد آن

گونه که آتش هیزم را.^(۱)

آنچه بر سر اهل بیت پیامبر ﷺ آمد که آنان را کنار زدند، ناشی از حسادت بود و قرآن در آیه ۵۴ سوره نساء می‌فرماید: چرا به خاطر الطاف و تفضل خداوند، بر افراد لایق حسادت می‌ورزند، مگر نمی‌دانند ما به آل ابراهیم کتاب و حکمت و ملک عظیم دادیم.

حسادت در میان تمام شرور، برجسته‌ترین شر است. زیرا حسود نقشه‌ها می‌کشد و حيله‌ها می‌کند و مرتکب انواع شرور می‌شود تا به هدف برسد.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «الحسد داء عیاء لایزال الا بهلك الحاسد او بموت المحسود»^(۲) حسادت مرض خطرناکی است که جز با مرگ محسود یا هلاکت حسود از بین نمی‌رود. حسود در واقع به خدا اعتراض دارد و در برابر اراده و حکمت او جهت می‌گیرد که چرا به او عطا کرده و به من نداده است.

حسود هرگز خیرخواهی و نصیحت نمی‌کند و به خاطر خوی حسادت، از خیر خودش به دیگران جلوگیری می‌کند.

□ قرآن، ریشه بسیاری از گناهان را «بغیاً» به معنای حسادت دانسته است و امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «انّ الکفر اصله الحسد»^(۳) ریشه کفر حسادت است. چنانکه در برابر پیامبران می‌گفتند: «أبشر یهدوننا»^(۴) آیا انسانی مثل ما پیامبر شود و ما را هدایت کند؟ حسود، اهل تواضع و تشکر نیست و هرگز به کمالات دیگران گواهی نمی‌دهد و قهراً مرتکب گناه کتمان حق می‌شود.

حسود معمولاً منافق است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «الحاسد یظهر وُدّه فی اقواله و یخفی بُغضه فی افعاله»^(۵) در ظاهر اظهار علاقه می‌کند ولی در باطن کینه و بغض دارد.

منشأ حسادت چیست؟

گاهی تبعیض نابجا میان افراد، حسادت آنان را بر می‌انگیزد.

۱. کافی، ج ۲، ص ۳۰۶. ۲. نهج البلاغه، حکمت ۴۹۳. ۳. کافی، ج ۸، ص ۷. ۴. تغابن، ۶. ۵. غرر الحکم.

گاهی مردم توجه نیستند و شرایط را یکسان می‌پندارند و همینکه یک برتری و امتیازی دیدند حسادت می‌ورزند. در حالی که اگر حکمت و دلیل تفاوت‌ها را بدانند آرام می‌شوند. حسادت در خاندان نبوت نیز پیدا می‌شود، همان‌گونه که در خانه حضرت یعقوب، حسادت فرزندان، آنان را به چاه افکندن برادر وادار کرد.

دامنه حسادت تنها نسبت به نعمت‌های مادی نیست، بلکه گاهی نسبت به ایمان افراد حسادت می‌شود و می‌خواهند آنان را به کفر برگردانند. ﴿يَرَدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَّارًا حَسَدًا﴾^(۱)

روشن است که حسادت، آرزوی نابودی نعمت دیگران است، وگرنه درخواست نعمت از خداوند، حسادت نیست. چنانکه سلیمان از خداوند حکومتی بی نظیر خواست: ﴿مَلِكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ﴾^(۲) و حضرت علی عليه السلام در دعای کمیل از خداوند می‌خواهد که نصیب او بیشتر باشد و قرب او به خداوند نیز بیشتر باشد. «واجعلني من احسن عبيدك نصيبا عندك و اقربهم منزلة منك...»

□ برای درمان حسادت باید اینگونه فکر کرد:

دنیا، کوتاه و کوچک است و غصه برای آن ارزشی ندارد.

ما نیز نعمت‌هایی داریم که دیگران ندارند.

نعمت‌ها بر اساس حکمت تقسیم شده است، گرچه ما حکمت آن را ندانیم.

آنکه نعمتش بیشتر است، مسئولیتش بیشتر است.

بدانیم که حسادت ما بی‌نتیجه است و خداوند به خاطر اینکه بنده‌ی چشم دیدن نعمتی را

ندارد، لطف خود را قطع نمی‌کند و فقط خودمان را رنج می‌دهیم.

پیام‌ها:

۱- پناه بردن به خدا را باید به زبان جاری کرد. ﴿قُلْ اَعُوذُ﴾

۲- به خاطر زیادی خطرات و اهمیت آن انبیا نیز باید به خدا پناه برند. ﴿قُلْ اَعُوذُ﴾

۱. بقره، ۱۰۹.

۲. ص، ۳۵.

- ۳- اصلاح خود و جامعه، بدون استمداد و پناهندگی به خداوند امکان ندارد. ﴿قل اعود برَبِّ الفلق﴾
- ۴- چون شرور بر قلب و فکر انسان قفل می‌زنند، باید به قدرتی پناه برد که شکافنده و شکننده قفل‌ها و موانع باشد. ﴿برَبِّ الفلق﴾
- ۵- در دعا با دید وسیع برخورد کنید. ﴿شَرِّ ما خلق﴾ (همه مخلوقات را در برمی‌گیرد).
- ۶- در میان همه شرور، شر حسادت، تفرقه افکنی، عهد شکنی و توطئه‌های پنهان اهمیت بیشتری دارد. ﴿من شرِّ غاسق... شرِّ النفاثات... شرِّ حاسد﴾
- ۷- دشمن آنقدر می‌دمد تا تبلیغاتش مؤثر واقع شود. ﴿نفاثات﴾ جمع «نفاثة»، صیغه مبالغه است.
- ۸- با وسوسه‌ها عقاید سست می‌شود و حرف اثر می‌کند. ﴿من شرِّ النفاثات فی العقد﴾
- ۹- حسادت، دارویی جز پناه بردن به خدا ندارد. ﴿قل اعود... اذا حسد﴾
- ۱۰- زمینه‌ها زمانی خطرناک است که به فعلیت در آیند. ﴿حاسد اذا حسد﴾
- ۱۱- حسادت، کم و بیش در افراد هست؛ اقدام عملی بر اساس آن گناه است. ﴿اذا حسد﴾

«والحمد لله رب العالمين»